

ایران، فراتر از نفت در اقتصاد جهانی

جنگ اخیر تنها یک بحران ژئوپلیتیکی نیست، بلکه شکاف‌های پنهان در زنجیره‌های تأمین جهانی را آشکار کرده و نشان داده اقتصاد جهان تا چه حد به مسیرهای تجاری ایران وابسته است



سال‌هاست که نام ایران در تحلیل‌های اقتصادی جهان بیش از هر چیز با نفت، تحریم‌های ژئوپلیتیکی گره خورده است. اما جنگ اخیر، واقعیتی کمتر دیده‌شده را نیز آشکار کرده است؛ اینکه جایگاه ایران در اقتصاد بین‌الملل به مراتب گسترده‌تر از سهم آن در بازار انرژی است. در حالی که بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در عبور بخشی مهم از نفت جهان نگاه‌ها را متوجه بازارهای انرژی کرده، آثار بحران به تدریج در لایه‌های عمیق‌تر اقتصاد جهانی نیز نمایان شده است. گزارش یک رسانه چندملیتی مستقر در سنگاپور نشان می‌دهد درگیری نظامی میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونی تنها یک بحران منطقه‌ای نیست، بلکه به رویدادی تبدیل شده که زنجیره‌های تأمین در آسیا و خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. از متانول و محصولات پتروشیمی گرفته تا پسته و سیمان، اختلال در صادرات ایران بار دیگر نشان داده که اقتصاد جهانی بیش از آنچه تصویری می‌شود به شبکه‌ای از پیوندهای به‌هم‌پیوسته وابسته است.

اختلال در نبض صنعت

اگر قرار باشد تنها یک کالا به‌عنوان نماد اثرگذاری ایران بر زنجیره‌های تأمین جهانی معرفی شود، متانول یکی از جدی‌ترین گزینه‌ها خواهد بود. ماده‌ای که شاید برای

بسیاری از مصرف‌کنندگان نهایی ناشناخته باشد، اما در پشت صحنه تولید هزاران کالای صنعتی و مصرفی نقش ایفا می‌کند؛ از پلاستیک‌ها و سوخت‌های صنعتی گرفته تا ضدیخ، مایعات شیشه‌شوی خودرو و طیفی گسترده از محصولات شیمیایی. ایران با تکیه بر ذخایر عظیم گاز طبیعی خود طی سال‌های اخیر به یکی از بازیگران اصلی این بازار تبدیل شده و با تولید سالانه حدود ۱۰ میلیون تن، جایگاه دومین تولیدکننده و تأمین‌کننده بزرگ متانول جهان را در اختیار گرفته است. گزارش مورد اشاره تأکید می‌کند که جنگ اخیر بیش از هر بخش دیگری، بازار متانول را در معرض تکانه قرار داده است. حملات به زیرساخت‌های گازی و محدود شدن دسترسی به خوراک مورد نیاز مجتمع‌های پتروشیمی، ظرفیت تولید و صادرات ایران را تحت فشار قرار داده است. هم‌زمان، بسته شدن تنگه هرمز و اختلال در فعالیت برخی مجتمع‌های بزرگ گازی منطقه نیز به کاهش قابل توجه عرضه جهانی انجامیده؛ به گونه‌ای که بیش از ۳۰ درصد از متانول مبادله‌شده در تجارت دریایی جهان از بازار خارج شده است.

بیشترین فشار این تحول متوجه چین بوده است؛ کشوری که برای تأمین نیاز صنایع خود به واردات گسترده متانول وابسته است. افزایش تولید داخلی نتوانسته به‌طور کامل

جای خالی واردات را پر کند و هزینه‌های بیشتری را به صنایع شرق این کشور تحمیل کرده است. نتیجه آنکه جنگی در خلیج فارس، هزاران کیلومتر آن‌سوتر، هزینه تولید را در کارخانه‌های چین افزایش داده و بار دیگر نشان داده است که پیوندهای اقتصاد جهانی بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از آن چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد.

ردپای ایران در بازارها

اگر متانول نماد حضور ایران در صنایع جهانی است، پسته را می‌توان یکی از شناخته‌شده‌ترین نشانه‌های نفوذ ایران در بازار مواد غذایی جهان دانست. محصولی که دهه‌هاست نام ایران را در بازارهای بین‌المللی زنده نگه داشته و همچنان جایگاهی تعیین‌کننده در تجارت جهانی خشکبار دارد. ایران پس از آمریکا دومین تولیدکننده بزرگ پسته جهان محسوب می‌شود و سهم آن در تأمین نیاز بسیاری از بازارهای مصرفی، فراتر از آن چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد.

بر اساس گزارش شبکه خبری «سی‌ان‌ای»، جنگ اخیر در حالی بازار پسته را تحت تأثیر قرار داده که این بازار پیش از آن نیز با محدودیت عرضه مواجه بود. خشکسالی در کشورهای اصلی تولیدکننده سبب شده بود میزان برداشت

محصول کمتر از پیش‌بینی‌ها باشد و همین مسئله زمینه افزایش قیمت‌ها را فراهم کرده بود. در چنین شرایطی، اختلال در صادرات ایران و محدودیت‌های اعمال شده بر تجارت این محصول، فشار مضاعفی بر بازار جهانی وارد کرد و قیمت پسته را به بالاترین سطوح چند سال اخیر رساند. نکته قابل توجه آن است که باغ‌های اصلی پسته ایران از کانون درگیری‌ها فاصله داشته‌اند و مشکل اصلی نه در تولید، بلکه در مسیر انتقال و صادرات محصول پدید آمده است. اختلال در فعالیت بندار و گره خوردن تجارت به تحولات امنیتی منطقه، دسترسی بسیاری از خریداران را با دشواری مواجه کرده است. بیشترین تأثیر این وضعیت در بازارهای جنوب آسیا و امارات متحده عربی مشاهده می‌شود؛ جایی که رشد سریع صنایع شیرینی، شکلات و قنادی، به‌ویژه در بازار پررونق «شکلات دبی»، وابستگی قابل توجهی به مغز پسته ایرانی ایجاد کرده است. از این منظر، پسته تنها یک محصول کشاورزی نیست؛ بلکه حلقه‌ای مهم در زنجیره تجارت غذایی منطقه به‌شمار می‌رود.

سیمان در مسیر بازاری

سومین نمونه‌ای که گزارش «سی‌ان‌ای» برای نشان دادن جایگاه ایران در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای مطرح می‌کند، صنعت سیمان است؛ کالایی که شاید به اندازه نفت و پتروشیمی در کانون توجه نباشد، اما برای اقتصادهای در حال توسعه و پروژه‌های عمرانی اهمیتی بنیادین دارد. ایران با تولید سالانه حدود ۷۰ میلیون تن سیمان، در شمار بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان قرار دارد و طی سال‌های گذشته به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی بازارهای پیرامونی تبدیل شده است. عراق، کویت، افغانستان و سوریه بخش مهمی از نیاز خود را از طریق واردات سیمان ایران تأمین کرده‌اند.

اختلال در صادرات این محصول، هم‌زمان با بحران انرژی ناشی از بسته شدن تنگه هرمز، کشورهای منطقه را با وضعیتی پیچیده روبه‌رو کرده است. از یک سو دسترسی به یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مصالح ساختمانی محدود شده و از سوی دیگر کاهش درآمدهای نفتی، توان مالی دولت‌ها را برای جایگزین کردن این کمبود کاهش داده است. در نتیجه، حتی در شرایطی که گزینه‌های دیگری همچون ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در دسترس باشند، هزینه بالاتر تأمین، فشار مضاعفی بر بودجه‌های عمرانی وارد می‌کند.

در نهایت، آنچه از دل این تحولات آشکار می‌شود صرفاً اهمیت یک کالا یا یک بازار نیست، بلکه واقعیتی بزرگ‌تر است؛ اینکه ایران برخلاف تصویر رایج سال‌های اخیر، در شبکه‌ای از زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و جهانی حضوری مؤثر دارد. جنگ اخیر این جایگاه را پدیدنیاورد، بلکه تنها آن را آشکارتر از همیشه در برابر دیدگان جهان قرار داد.

حمیدرضا بیاتی‌نیا

روزنامه نگار

گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد بسته شدن تنگه هرمز صرفاً یک مسئله منطقه‌ای نیست، بلکه موجی از فشار اقتصادی را به صنایع آسیا و خاورمیانه منتقل کرده است

یادداشت

O P I N I O N



سعید هادنی

رئیس کمیته مشترک باززرگانی ایران و بلغارستان

بلغارستان؛ دروازه زمینی ایران به اروپا

اروپا برای اقتصاد ایران تنها یک بازار بزرگ نیست؛ مسیری است برای تنوع‌بخشی به صادرات، جذب فناوری و گسترش پیوندهای تجاری. در این میان، برخی کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های لجستیکی خود می‌توانند نقشی فراتر از یک شریک معمولی ایفا کنند. بلغارستان از جمله همین کشورهاست؛ کشوری که در سال‌های گذشته کمتر از ظرفیت واقعی آن در ادبیات اقتصادی و بازرگانی ایران سخن گفته شده است. در حالی که این کشور به دلیل قرار گرفتن در مسیر زمینی ارتباط ایران با اتحادیه اروپا، می‌تواند یکی از مهم‌ترین دروازه‌های ورود کالاهای ایرانی به بازارهای اروپایی باشد و جایگاهی راهبردی در نقشه تجارت خارجی کشور پیدا کند. اهمیت بلغارستان تنها به جغرافیا محدود نمی‌شود. روابط تاریخی و فرهنگی دو ملت شش‌توانه‌ای ارزشمند برای توسعه مناسبات اقتصادی به‌شمار می‌رود.

پیوندهای دیرینه میان ایران و بلغارستان، حضور وازگان فراوان فارسی در زبان بلغاری و وجود جمعیت مسلمان در این کشور، زمینه‌ای برای شناخت متقابل و تقویت ارتباطات فراهم کرده است. این سرمایه فرهنگی در بسیاری از موارد می‌تواند موانعی را که در روابط اقتصادی میان کشورها وجود دارد کاهش دهد و بستری مطمئن‌تر برای همکاری‌های بلندمدت ایجاد کند. با این حال، طی دهه‌های گذشته این ظرفیت‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته و فرصت‌های ناشی از آن به اندازه کافی به فعالان اقتصادی معرفی نشده است. تجربه همکاری‌های اقتصادی دو کشور نیز نشان می‌دهد که زمینه‌های تعامل محدود به یک یا دو بخش خاص نیست. در مقاطع مختلف، بلغارستان شریک تجاری ایران در حوزه‌هایی همچون مواد شیمیایی، دارویی، ماشین‌آلات سنگین و خدمات حمل‌ونقل بوده و در مقابل، کالاهای ایرانی از جمله خشکبار، محصولات غذایی، فرش و فرآورده‌های پتروشیمی راهی این کشور شده‌اند. افزون بر این، برخی همکاری‌ها در حوزه تأمین مواد اولیه صنعتی و تبادلات فنی نیز میان فعالان اقتصادی در طرف شکل گرفته است. هرچند تحریم‌های بین‌المللی از سال ۲۰۱۰ بخشی از مبادلات را کاهش داد، اما شبکه‌های حمل‌ونقل و مسیرهای لجستیکی همچنان فعال باقی ماندند و ارتباطات تجاری به‌طور کامل قطع نشد. همین استمرار نشان می‌دهد که ظرفیت همکاری میان دو کشور از پایداری قابل توجهی برخوردار است. امروز مزیت‌های بلغارستان بیش از گذشته قابل توجه است. عضویت در اتحادیه اروپا، زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل، هزینه‌های پایین‌تر نیروی کار، نرخ مالیاتی رقابتی و نبود موانع جدی برای همکاری‌های لجستیکی با ایران، این کشور را به گزینه‌ای مناسب برای استقرار مراکز توزیع و دیپوی کالاهای ایرانی تبدیل کرده است. افزون بر آن، بلغارستان می‌تواند تأمین‌کننده ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات تولیدی، مواد شیمیایی، دارو و قطعات مورد نیاز صنایع مختلف ایران باشد. واقعیت آن است که بلغارستان تنها یک مقصد تجاری نیست؛ پلی میان ایران و اروپا است. بهره‌گیری از این فرصت نیازمند نگاه راهبردی‌تر بازرگانان و سیاست‌گذاران اقتصادی به کشوری است که می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین حلقه‌های اتصال ایران به بازارهای اروپایی باشد.